

موعودباوری در ادیان ابراهیمی

نویسنده: حسین ابراهیمی^۱

استاد ناظر: حمید علی‌آبادی^۲

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲

دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵

چکیده

این پژوهش که درباره موعود از دیدگاه ادیان ابراهیمی است، به بررسی اثباتی اعتقاد به موعود و تبیین آن پرداخته است؛ هر چند در اثبات مهدی موعود موجود علیه السلام شیوه استدلالی متکی بر مبانی عهدین نبوده، و در منطق اسلامی بحث شده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، موعودباوری، ادیان ابراهیمی

مقدمه

انتظار موعود، موضوعی است، که در همه مذاهب بزرگ جهان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ لذا همواره آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی - در همه ادیان و مذاهب - امری مشترک بوده، و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود.

۱- دانش‌پذیر دوره‌های کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، artin_shab@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه مجازی المصطفی صلی الله علیه و آله، aliabadi.hamid57@gmail.com

این امر، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجیل و قرآن کریم به حساب می‌آید، از اموری است که به سرنوشت بشریت و تکامل انسان نیز ارتباط دارد.

به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید می‌شود، و می‌بیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفت‌های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی بیشتری کشیده می‌شود، و اختراعات و اکتشافات حیرت‌آور، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد- بنا به فطرت ذاتی خود- متوجه درگاه خداوند می‌شود، و برای رفع ظلم، ستم و بحران‌های روحی و معنوی، استمداد می‌طلبد.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی موعود جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است، و این آرزو تنها در میان پیروان ادیان بزرگ- یهودیت، مسیحیت و اسلام- سابقه ندارد؛ بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونانی، افسانه‌های میترا در ایران، آثار قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکاندیناوی، و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آن‌ها نیز می‌توان یافت.^۱

بر این اساس و با مطالعه کتاب‌های آسمانی و تاریخ ادیان، می‌توان به این مطلب رسید، که عقیده به موعود و مصلح کل، اختصاص به شیعه یا اسلام ندارد؛ بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند.

پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی، که جهان را فساد، پیدادگری و بدبینی فرا گرفته، نجات دهنده بزرگ طلوع می‌کند، و به واسطه نیروی غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند، و خلاپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد.

بنابراین، بررسی دیدگاه ادیان آسمانی- و حتی سایر مذاهب- در مورد موعود و مصلح جهانی، قابل توجه است؛ هر چند مسلمانان کمتر به این مسئله مهم، توجه کرده‌اند.

این در حالی است، که وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا کند، که عقیده به ظهور یک نجات دهنده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است، که از مصدر وحی سرچشمه گرفته، و همه پیامبران الهی به آن بشارت داده، و همه ملل در انتظار او هستند؛ در این صورت، مسلمانان- به ویژه شیعیان- به خیال‌بافی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

به همین قرائن در این پژوهش، دیدگاه ادیان ابراهیمی- یهودیت- مسیحیت و اسلام- درباره انتظار موعود و مصلح کل، مورد توجه قرار می‌گیرد.

موعود آخرالزمان در آئین یهودیت

۱. انتظار مسیح و محورهای آن

از برخی تعالیم دین یهود روشن می‌شود، که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی علیه السلام نیست. این عقیده، یکی از اشتراکات این دین با مسیحیت است.

توماس میشل در این باره می‌گوید:

تعالیم انبیا در بر افروختن آتش شوق قیام مسیح در دل‌های یهودیان، تأثیر عمیقی داشت.

آن‌ها معتقد بودند خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت باقی نخواهد گذاشت؛ بلکه خود او کسی را مسح کرده، و برای

نجات مردم خواهد فرستاد.^۲

۱- ر. ک: دوانی، ۱۳۶۲، ص. ۱۷۸.

۲- عنوان مسیح از این جا می‌آید.

از کتاب‌های نبوت معلوم می‌شود، که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می‌چرخید، که البته این محوره‌های سه‌گانه به گونه مشخصی از یکدیگر جدا نشده‌اند.^۱

- محور اول: مسیح پسر داوود

برخی از انبیا مانند حزقیال و ملاکی اعلام داشتند، که خدا به زودی یک مسیح را از نسل داوود برای بازگرداندن شکوه بنی‌اسرائیل خواهد فرستاد.

به نظر می‌رسد مسیح یاد شده، قوم خود را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد، و قدرت شریعت خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهند ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند.

در این سلطنت یا ملکوت جدید، عدالت و نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا، حکمفرما خواهد بود؛ خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد.

برخی از انبیا نیز مزده دادند، که این سلطنت تنها برای یهود نیست؛ بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد.

- محور دوم: مسیح بنده خدا

اشعیای نبی از بنده خدا که خواهد آمد، سخن گفته است؛ او به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی، و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد؛ هم‌چنین از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هر گونه شدت عمل بوده، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستم‌ها خواهد بود، و با تحمل بار گناهان قوم، هم‌چون وسیله‌ای برای نجات، عمل خواهد کرد.

- محور سوم: مسیح پسر انسان

این شخصیت پیچیده، در کتاب دانیال آمده است؛ آن کتاب، به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده، و البته فهم آن دشوار است؛ زیرا آشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد.

به طور کلی، ادبیات مکاشفه به دوره‌ای از تاریخ یهود تعلق دارد، که قوم آن‌ها زیر ستم بود، و به همین دلیل آمال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می‌کرد.

نوشته‌های مکاشفه از روز خداوند سخن می‌گویند، و این‌که خدا برای اصلاح مفساد و اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند، در جهان وارد عمل می‌شود.

به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرا رسیدن روز خداوند، پسر انسان از آسمان فرو خواهد آمد، و ملکوت الهی را بر پا خواهد ساخت.^۲

ب. بحران پیش از ظهور

از نظر یهود، دوران پیش از ظهور همراه با ستم به قوم بنی‌اسرائیل خواهد بود.

۱- میشل، ۱۳۷۷، صص. ۳۸-۳۷.

۲- همان؛ و نیز در مورد پسر انسان: طی، ۱۹۹۹، ص. ۶۱.

بر این اساس، امت‌ها در ستم کردن به بنی‌اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت، و هر گرفتاری تازه چنان شدید خواهد بود، که گرفتاری‌های قبلی را از یادها خواهد برد.

گفته‌های یهود در این باره قدری خرافه‌گونه است، تا جایی که بعضی از مطالب بیان شده، با افسانه‌های کتب قدیم شباهت بیشتری دارد؛ هر چند این مطالب مربوط به دوران پیش از ظهور، از کتاب مقدس - تورات - اخذ شده است.

جولیوس کریستون^۱ - دانشمند یهودی - در این ارتباط، می‌گوید:

پیش از آمدن مسیحا، یک ستون آتش در جهان ظاهر خواهد شد، و چهل روز در برابر چشمان اقوام روی زمین، بر پا خواهد بود؛ آن‌گاه، مسیحی پادشاه، برای حرکت از مکانی در فردوس به نام لانه گنجشک فرمان خواهد یافت. او نخست در ایالت جلیل ظاهر خواهد شد؛ زیرا جلیل نخستین ناحیه‌ای بود، که به دست رومیان ویران گردید؛ پس یک ستاره تابان در آسمان ظاهر خواهد شد، و هفت ستاره دیگر، آن را محاصره خواهند کرد.

آن‌ها به مدت هفتاد روز، روزی سه بار با آن ستاره تابان خواهند جنگید، و هر شب بلعیده شده، و هر صبح بیرون افکنده خواهند شد؛ پس از هفتاد روز، آن ستاره از میان خواهد رفت.

پس مسیحا در ستون آتش پنهان خواهد شد، و به دوازده ماه نامرئی خواهد بود؛ سپس وی را به آسمان برده، تاج پادشاهی بر سر او خواهند گذاشت، و تمام قدرت و شوکت یک پادشاه را به او عطا خواهند کرد؛ آن‌گاه، وی به زمین فرود خواهد آمد، و ستون آتش، دوباره مرئی خواهد شد.

در نتیجه، مسیحا در سراسر عالم معروف خواهد گردید، و ملت‌ها همراه با بسیاری از یهودیان بی‌ایمان، با او به جنگ برخوانند خاست؛ سپس در سال ۷۳ از ششمین هزاره آفرینش جهان - سال ۱۳۱۳ میلادی - تمام اقوام در رم گرد خواهند آمد، و خدا بر آنان باران آتش، تگرگ و سنگ فرو خواهد ریخت، و ایشان به استثنای پادشاهانی که به رم نیامده‌اند، هلاک خواهند شد.

این پادشاهان نیز با مسیحا جنگ می‌کنند، و فرزندان اسماعیل در محاصره کردن اورشلیم به آنان خواهند پیوست؛ اما او که بر آسمان نشسته است، می‌خندد.

پس بسیاری در پرستش خدا با یهودیان همراه خواهند شد، و بدین‌گونه خلقت تازه‌ای خواهد یافت؛ زیرا خدا ارواح تازه‌ای بری بازماندگان ایجاد خواهد کرد، و آنان را برای ورود به هزاره هفتم آماده خواهد ساخت.^۲

ج. نشانه‌های ظهور منجی

در کتاب‌های دین یهود، علائم و نشانه‌هایی برای مصلحتی که در انتظارش هستند، بیان شده است، که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ۱- همه سبط‌های ده‌گانه اجتماع می‌کنند، و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع هستند.
- ۲- یاجوج و ماجوج شکست می‌خورند.
- ۳- کوه زیتون شکاف بر می‌دارد.
- ۴- وادی مصر خشک می‌شود.
- ۵- آبی گوارا در اورشلیم و از بیت المقدس بیرون می‌آید.

1. Julius Cranston

۲- کریستون، ۱۳۷۷، صص. ۱۱۳-۱۱۲؛ به استناد: مزامیر، باب ۲، آیه ۴.

۶- ده نفر مرد از قومیت‌های مختلف به لباس یک یهودی می‌چسبند، و از او التماس می‌کنند که با او باشند؛ زیرا شنیده‌اند که خدا با یهود است.

۷- شرورهای زمین نابود می‌شوند.^۱

هم‌چنین در تعالیم «تلمود» نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است:

بر هر یهودی واجب است، که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد، و بقیه امم با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند، و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود، و دو ثلث عالم از بین برود؛ پس یهود هفت سال باقی می‌ماند، و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند، و در این هنگام دندان‌های دشمنان بنی‌اسرائیل به اندازه ۲۲ ذراع شده، و از دهن‌ها بیرون آمده است.

زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است، و به زودی مسیح حقیقی می‌آید، و شخص منتظر، به پیروزی می‌رسد، و ملت یهود به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد؛ چون مالک تمام املاک دنیا می‌شود؛ به طوری که برای حمل کلید گنج‌های آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است.^۲

با توجه به این مطالب، روشن می‌شود که اصل ظهور منجی در نزد پیروان دین یهود، ثابت و مسلم است؛ در عین حال، بغض و کینه آنان نسبت به همه ادیان - به ویژه - مسیحیت، قابل انکار نیست. به طور کلی از آرزوهای یهود آن است، که از طریق ظهور موعود منتظر، بر همه بشریت مسلط شوند، و همه ملل و اقوام دنیا تسلیم یهود و تحت استعمار آنان باشند.

د. کیفیت ظهور منجی

در کیفیت ظهور مصلح و منجی آخرالزمان - مطابق با معتقدات دین یهود - چنین آمده است:

او کسی است، که اخلاق فاسد مردم را تطهیر کرده، و اصلاح می‌نماید. یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر ظهور کند؛ به طوری که اگر لب‌هایش به دعا حرکت کند، تمام امت‌ها نابود شوند؛ این موعود منتظر، به گمان یهود، همان مسیح است که وعده او به یهود داده شده است.^۳

هم‌چنین، در باب کیفیت ظهور مصلح یهود - در تعالیم این دین - از زبان یکی از پیامبرانشان به نام اشعیاء، چنین آمده است:

بزودی کسی از اصل و نسب ابی‌داوود خروج نموده، و روح رب بر او حلول می‌کند، و روح حکمت و فهم و قدرت و معرفت خوف رب بر او حاکم می‌شود. او به نفع بیچارگان، حکم به عدل می‌کند، و بر آنان انصاف می‌نماید، و منافق را نابود می‌کند، و امنیت و آرامش برقرار خواهد کرد؛ به طوری که همه به راحتی و در کنار هم زندگی می‌کنند.^۴

۱- قرشی، ۱۳۷۶، صص. ۲۴۱-۲۴۲.

۲- ر. ک: قرشی، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۳.

۳- قرشی، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۳.

۴- همان، ص. ۱۲۲.

مطالعه موردی: نگاهی به آیات عهد عتیق در موضوع منجی

در ارتباط با جهان آینده، به برخی از آیات عهد عتیق استناد شده است. از مجموع این عبارات، این نکته استفاده می‌شود، که از نظر یهود، جنگ‌ها و سختی‌های فراوانی فرا روی بشر است؛ پس عده‌ای رستگار و عده بیشتری نابود می‌گردند؛ هر چند مشکلات و دشواری‌های فراوانی برای قوم یهود و پیروان حقیقی این آئین وجود دارد؛ اما در نهایت رستگاری و نجات در انحصار یهودیان خواهد بود.

- در ادامه به برخی از فرازهای عهد عتیق، که مرتبط با مقوله ظهور منجی و نعمات پس از ظهور است، اشاره می‌شود:
- در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران تو ایستاده است، خواهد برخاست؛ و چنان زمان تنگی خواهد شد، که از زمانی که امتی به وجود آمده است تا امروز، چنان نبوده است؛ و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شوند، رستگار خواهند شد، و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به جهت حیات جاودانی بیدار می‌شوند؛ و آنان به جهت خجالت و حقارت، جاودانی خواهند شد.^۱
 - بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود، و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید؛ زیرا که یهوه^۲ نور جاودانی تو بوده، و خدایت زیبایی تو خواهد بود.^۳
 - واقع خواهد شد، که هر ذی‌حیات جنبنده‌ای در هر جایی که آن نهر داخل شود، زنده خواهد گشت.^۴
 - و بر کنار نهر به این طرف و آن طرف، هر قسم درخت خوراکی خواهد روئید، که برگ‌های آن پژمرده نشود؛ و میوه‌های آن‌ها لاینقطع خواهد بود، و هر ماه میوه تازه‌ای خواهد آورد؛ زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود، و میوه آن‌ها برای خوراک و برگ‌های آن‌ها به جهت علاج خواهد بود.^۵
 - گریه با بره سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، و گوساله و شیر و گاو پروار با هم خواهند زیست، و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند، و گاو بر خرس خواهد چرید، و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید، و شیر مثل گاو، کاه خواهد خورد، و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد، و کودک از شیر باز داشته شده، و دست خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت.^۶

موعود آخرالزمان در آئین مسیحیت

۱. رویکرد عمومی به منجی موعود

مسیحیان، معتقد به بازگشت مسیح هستند؛ لذا در مسیحیت و در عهد جدید، نجات دهندگی به حضرت عیسی^ﷺ نسبت داده شده است؛ زیرا او مأمور شده است، که امت خویش را از گناه نجات بخشد. بر این اساس، مسیحیان با تعابیر زیادی از آمدن مصلح جهانی خبر داده‌اند؛ و حتی گاهی از آن به ملکوت خدا تعبیر کرده‌اند؛ و یا از الفاظی مانند شیلو^۷، روح راستین و پسر انسان در آیات انجیل - برای بیان دوره آخرالزمان - استفاده کرده‌اند.

۱- عهد عتیق، صحیفه دانیال نبی، باب ۱۲، آیات ۳-۱.

2. Yahweh

۳- عهد عتیق، صحیفه اشعیاء نبی، باب ۶۰، آیه ۱۹.

۴- عهد عتیق، صحیفه حزقیال نبی، باب ۴۷، آیه ۹.

۵- همان، باب ۴۷، آیات ۱۲-۱۱.

۶- عهد عتیق، صحیفه اشعیاء نبی، باب ۱۱، آیات ۸-۶.

7. Shiloh

ب. معرفی فرزند انسان

بنا به برداشت‌ها از کتاب مقدس مسیحیان- انجیل- فرزند انسان، که زمامدار و حامل لوای سلطنت جهانی در آینده معرفی شده است، مسیح نیست؛ زیرا مسیح، بشارت دهنده است، و از شخصی بشارت می‌دهد که در آینده جمیع ملل نزد او گرد می‌آیند.

از جملات «او خواهد آمد»، «قرار خواهد گرفت»، «نزد او جمع خواهند گشت» و امثال آن این‌گونه به دست می‌آید، که شخص مورد بشارت مسیح، در عصر او نبوده؛ بلکه بعداً خواهد آمد.

بنابراین، مقصود از فرزند انسان، فردی است که بزرگترین نمونه انسانیت، و شاخص‌ترین مولود عالم انسانی است، که تمام امم نزدش گرد می‌آیند، و زمام امور اجتماع را در دست خواهد گرفت؛ لذا مسیح درباره فردی غیر از خود سخن می‌گوید، که او همان مصلح و منجی آخرالزمان است.

این نتیجه‌گیری از برخی جملات انجیل، قابل ردیابی است؛ از جمله:

من [پدر] از پسر خواهم خواست، تسلی دهنده دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند؛ یعنی روح راستی، که جهان نمی‌تواند او را قبول کند؛ زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد؛ اما شما او را می‌بینید؛ زیرا که با شما می‌ماند، و در میان شما خواهد بود.^۱

چون تسلی دهنده که او از جانب پدر نزد شما آید- یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد- او بر من شهادت خواهد داد، و شما نیز شهادت خواهید داد.^۲

راست می‌گویم، که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم، تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما می‌فرستم، و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت داوری و ملزم خواهد نمود؛ اما بر گناه؛ زیرا که به من ایمان نمی‌آورید؛ اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم، و دیگر مرا نخواهید دید؛ اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است، و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم؛ اما- الآن- طاقت تحمل آن‌ها را ندارید؛ ولی چون او- روح راستی- آید، شما را به جمع راستی‌ها هدایت خواهد کرد؛ زیرا او از خود تکلم نمی‌کند؛ بلکه به آنچه شنیده است، سخن خواهد گفت، و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.

او مرا جلال خواهد داد؛ زیرا از آنچه آن من است خواهد گرفت، و به شما خبر خواهد داد؛ هر چه از آن پدر است، از آن من است؛ از این جهت گفتم، که از آنچه آن من است می‌گیرد، و به شما خبر خواهد داد.^۳

هر کس که غالب آید، وی را بر قبائل اقتدار خواهم داد، که بر آن‌ها به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ به نوعی که من از پدر خود یافته‌ام، و من او را ستاره سحری خواهم داد. هر کس که گوش دارد بشنود، که روح به کلیساها چه می‌گوید.^۴

هر چند عده‌ای از مسیحیان اصرار دارند، که مورد بشارت در این قیام جهانی، مسیح است که در آخرالزمان از آسمان فرو می‌آید، و زمام امور بشریت را در دست می‌گیرد؛ ولی مطابق با این آیات، مورد بشارت، مسیح نیست؛ بلکه پرچمدار انقلاب و عدل جهانی است، که به قدرت و نصرت الهی بر جهان حکومت خواهد کرد.

۱- عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۱۴، آیه ۱۶.

۲- همان، باب ۱۵، آیه ۲۷.

۳- عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۱۶، آیه ۷.

۴- عهد جدید، انجیل متی، بشارت ۴۸.

مطالعه موردی: نگاهی به آیات انجیل در موضوع منجی

در ارتباط با منجی و ظهور موعود در آخرالزمان، در برخی قسمت‌های کتاب مقدس، تعبیر و جملاتی بیان شده، که برای نمونه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- هم‌چنان‌که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد شد؛ آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند، و پسر انسان را ببینند که برابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید؛ اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد؛ حتی ملائکه آسمان؛ پس شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گناه نبرید، پسر انسان می‌آید.^۱
- و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد، با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی قرار خواهد گرفت، و همگی قبائل نزد وی جمع خواهند گشت، و آن‌ها را از یکدیگر جدا خواهد نمود؛ چنان‌که شبانی می‌شود را از بزها جدا بنماید؛ آن‌گاه ملک به اصحاب یمین خواهد گفت: ای برکت یافتگان خدا! بیایید و آن مملکت را که از ابتدای عالم برای شما مهیا شده بود، تصرف نمایید.^۲
- آن‌گاه پسر انسان را ببینید، که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید، و در آن وقت فرشتگان خود را- از جهات اربعه از انتهای زمین تا اقصای فلک- فراهم خواهد آورد؛ ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر، هیچ‌کس اطلاع ندارد- نه فرشتگان و نه پسر- پس بر حذر باشید، و بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود، و در چه وقت صاحبخانه می‌آید؛ در سام، یا نصف شب یا با بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده و شما را خفته یابد؛ اما آن‌چه به شما می‌گویم و به همه می‌گویم این‌که: بیدار باشید.^۳
- پس کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افراشته بدارید. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد؛ پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.^۴
- زلزله‌های عظیم در جای‌ها و قحطی‌ها و وباها پدید می‌آید، و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد. اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به انجام رسد، و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود، و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، و دل‌های مردمان ضعیف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ آن‌گاه پسر انسان را خواهند دید، که بر ابری سوار شده، و با قوت و جلال عظیم می‌آید.^۵

نتیجه آن‌که در آموزه‌های اناجیل، نکات زیر استفاده می‌شود:

- ۱- شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به نام روح راستی یا تسلی دهنده یا روح خدا و یا پسر انسان خواهد آمد، و مسیحیت انتظار او را دارد.^۶

۱- عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، آیه ۲۷.

۲- همان، باب ۳۱.

۳- عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۱۳، آیه ۲۶.

۴- عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲، آیات ۳۶-۳۵.

۵- همان، باب ۲۱.

۶- عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، آیه ۲۷.

- ۲- قبل از آمدن او جنگ‌های عالمگیر- خصوصاً در منطقه فلسطین- روی می‌دهد، که همه را به وحشت می‌اندازد تا جایی که چنان مصیبت بزرگی در عالم واقع نشده است.^۱
- ۳- همه ملت‌های جهان و تمام مردم دنیا از او پیروی می‌کنند، و زیر نفوذ او خواهند بود؛ پس او بر جهان حکومت خواهد کرد، و رئیس جهان خواهد بود.^۲
- ۴- البته جهان فعلی به خاطر عدم رشد فکری و یا جهل و نادانی نمی‌تواند او را قبول کند، و وجودش را احساس نماید.
- او در عین آن‌که همیشه با مردم جهان خواهد بود، مردم جهان او را نمی‌بینند، و اگر ببینند نمی‌شناسند؛ یعنی ممکن است در بین مردم زندگی کند؛ ولی او را نشناسند و ندانند، که او روزی قیام خواهد کرد، و تشکیل حکومت جهانی خواهد داد.^۳
- ۵- قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می‌شود، و سراسر جهان را ستمگران احاطه می‌کنند؛ لذا او مردم را به عدالت ملزم می‌کند، و خودش به عدالت داوری می‌نماید؛ پس ظلم و ستم را از روی زمین محو می‌کند، و نمی‌گذارد احدی به کسی ظلم کند، و اثری از ستمگران روی زمین باقی نمی‌ماند.^۴
- ۶- او از خود تکلم نمی‌کند؛ بلکه آن‌چه از خداوند و پیامبران شنیده است، خواهد گفت.
- هم‌چنین وقتی او بیاید، مردم دنیا را به همه راستی‌ها هدایت خواهد نمود، و مردم دنیا را از امور آینده، با خبر خواهد کرد؛ زیرا به جمیع علوم اولین و آخرین احاطه دارد.
- ۷- او مسیح را جلال خواهد داد، و او را از تمام اتهاماتی که دشمنان او یا دوستان نادانش به او بسته‌اند، نجات می‌دهد، و به پیامبری مسیح شهادت می‌دهد.^۵
- ۸- پس همه باید منتظر او باشند؛ زیرا وقت ظهورش مشخص نیست؛ حتی ملائکه آسمان‌ها نیز نمی‌دانند؛ چرا که جز خداوند کسی از آمدنش اطلاع ندارد؛ لذا همه باید بیدار باشند، و آمدنش را انتظار داشته باشند.^۶

موعود آخرالزمان در آئین اسلام

أ. مهدویت در منظر اهل سنت

اهل سنت به این مورد که موعود، از نسل پیامبر و از فرزندان دختر رسول خدا ﷺ است، و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، شکی ندارند؛ هم‌چنین معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل خواهد شد، و پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند.

از دیگر معتقدات اهل سنت در موضوع مهدویت، این است که مردم در عصر ظهور ایشان در رفاه زندگی می‌کنند، و عقیده دارند که موعود، حسینی و از نسل اوست، و خصلت‌های امام حسین علیه السلام در ایشان است.

۱- عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۲۱.

۲- عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۱۳، آیه ۲۱.

۳- عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۱۴، آیه ۱۶.

۴- عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۲۱.

۵- عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۱۶، آیه ۷.

۶- عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۱۳، آیه ۲۶.

در این زمینه روایات متواتر زیادی در مآخذ اهل سنت- مثل صحاح سته و سایر مسانید اهل سنت- وارد شده است، که به دو نمونه از منقولات بزرگان اهل سنت، اشاره می‌شود:

۱- حافظ ابو عبدالله گنجی- از علمای سده هفتم شافعی- در کتاب «البيان في اخبار صاحب الزمان» می‌گوید: «تواترت الاخبار واستغاثت بكثره روايتها عن المصطفى في امر مهدي»؛ اخبار پی در پی و فراوان از پیامبر درباره مهدی نقل شده است.^۱

۲- ابن حجر عسقلانی- از علمای سده نهم شافعی- در کتاب «فتح الباری» که در شرح «صحیح بخاری» نوشته است، می‌گوید:

«تواترت الاخبار بأن المهدي من هذه الأمة وان عيسى سينزل ويصلي خلفه»؛ در اخبار متواتر آمده است، که مهدی از میان امت اسلامی است، و عیسی به زودی از آسمان نازل خواهد شد، و پشت سر او نماز خواهد خواند.^۲

ب. مهدویت از منظر شیعه امامیه

از نظر پیروان مکتب تشیع، بحث انتظار موعود الهی، یک امر بسیار مهم، مقدس و قطعی است.

قبل از پردازش این موضوع، بیان این نکته لازم است، که بعضی از واژگان ضروری، اگر مفهوم صحیح آن روشن نشود، ممکن است در عقاید انسان، جنبه تخریبی پیدا کند، و موجب انحراف در دین گردد؛ لذا واژه‌هایی مانند شفاعت، توسل، تقیه، صبر، رجعت، جبر و اختیار و غیره اگر به مفهوم واقعی آن پی برده نشود، نه تنها اثر مثبت ندارند؛ بلکه به عنوان یک انحراف در عقیده باعث تخریب اعتقادات نیز خواهد شد. واژه انتظار نیز از جمله این واژگان کلیدی است.

به طور کلی، درباره انتظار می‌توان به دو مفهوم قائل شد:

۱- انتظار منفی و تخریب کننده

در میان بعضی از پیروان عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام این گونه است، که چون پایان کار عالم را به وسیله مصلحی جهانی و الهی می‌دانند، از منتظران آن مصلح و رهبر عدل الهی هستند، و البته رسالتی در اصلاح جامعه بر عهده خود نمی‌دانند.

بنابراین، نابسامانی‌های اجتماعی، دینی، اخلاقی و اعتقادی و امور جهان به انتظار می‌نشینند تا آن مصلح الهی بیاید، و تمامی امور را به سامان برساند.

این گروه معتقدند: ما فقط باید مواظب شخص خودمان باشیم؛ اما مواظب شخصیت و رفتار جامعه و اصلاح اوضاع اجتماعی بودن کار ما نیست، و از حدود اختیارات ما خارج است؛ چرا که باید به انتظار روزی بنشینیم، که با همه‌گیر شدن فساد در جامعه- خداوند مصلح عالم- صاحب الزمان علیه السلام را برساند، و فساد عالم را به دست او از بین ببرد، و قسط و عدل را حاکم کند.

این گروه، بر اساس مفاهیمی که- با تأویل- از بعضی روایات استخراج می‌کنند؛ به عنوان مثال، روایت مشهور زیر:

۱- ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، صص. ۳۶-۳۵.

۲- ر.ک: همان، ص. ۳۵.

«يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛^۱ زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور پر شده باشد.

معتقدند:

اگر با ظلم و فساد و جور مبارزه کنیم - چه بسا - باعث باعث تأخیر افتادن ظهور حضرت حجت علیه السلام باشیم؛ پس نباید کاری به این کارها داشته باشیم؛ چون از حدود اختیارات ما خارج است؛ به این سبب که همه چیزها را خدا به عهده حجت آخرینش گذاشته است.

بنا به مراجعه به عقل، چنین مفهومی نمی‌تواند مفهوم واقعی انتظار باشد، و به طریق اولی، از مذهب و دین مترقی اسلام نیز چنین مفهومی بر نمی‌آید.

۲- انتظار مثبت و سازنده

این نوع انتظار، که نقطه مقابل انتظار نوع اول است، به مفهوم آماده‌سازی خود و تأمین زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، که در منطق شیعه، موعود موجود نیز گفته می‌شود. بنابراین نوع انتظار، منتظر بودن به معنای دست روی دست گذاشتن و فقط به خود پرداختن، و به دیگری و جامعه توجهی نداشتن یا دست به اقدام نزدن، نیست؛ بلکه این مفهومی نابجا و ناصواب از انتظار است.

تکمله: اهمیت انتظار در قرآن و حدیث

مناسب است در این بخش، به بررسی اهمیت انتظار از دیدگاه قرآن و روایات پرداخت تا مفهوم صحیح انتظار، به درستی شناخته شود.

اگر انتظار به مفهوم نوع اول باشد، منطقی را که اسلام از مفهوم انتظار دنبال می‌کند، تأمین نخواهد کرد؛ چه این‌که حداقل در هشت سوره از قرآن کریم، آیاتی به مسئله انتظار پرداخته‌اند، که به عنوان نمونه در دو جا، مشابه و عین یکدیگر به کار رفته است.^۲ آیات دیگری نیز با همین مفهوم و معنا وجود دارد، که از دیدگاه مفسرین بزرگ شیعه - از معانی آن - انتظار و منتظر ظهور امام زمان علیه السلام بودن تعبیر شده است. بنابراین، انتظاری که خدای متعال - در عصر غیبت - به انسان دستور می‌دهد، به معنی دست روی دست گذاشتن و همه کار را به عهده مصلح الهی گذاشتن، و با فساد و تباهی کاری نداشتن، و با مفسد و ظالم برخورد نکردن، نیست؛ بلکه باید معنی و مفهوم مترقی‌تری داشته باشد.

این مقوله در روایات اسلامی نیز به فراوانی قابل مشاهده است، که تنها به چند نمونه از این دسته روایات، اشاره می‌شود:

۱- امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛^۳ منتظر فرج و

گشایش باشید، و از روح و رحمت الهی هرگز ناامید نباشید؛ زیرا بهترین عمل در پیشگاه الهی، انتظار فرج است.

۱- صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۲.

۲- ر.ک: یونس، ۱۰۲ و ۲۰.

۳- صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، صص. ۶۱۰ و ۶۱۶.

بر این اساس، بهترین عمل، منتظر فرج و گشایش الهی بودن است؛ لذا کناره‌گیری از عمل، سکوت و سکون و در گوشه‌ای نشستن، مراد نمی‌باشد.

۲- حضرت امام سجاد علیه السلام به فردی به نام اباخالد، فرمودند:

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْتِظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛^۱ اهل آن دورانی که امام زمان در پس پرده غیبت است، و معتقد به امامتش و منتظر ظهور آن حضرت باشند، بهترین آدم‌های هر روزگارند.

بر این اساس، اگر فرض کنیم آدم گوشه‌نشین و دست روی دست گذاشته‌ای که کاری به کار فساد و تباهی جامعه نداشته، و کار به ظالم و ظلم و ستمگران، و نیز مظلوم و مظلومیت و عدل و ظلم نداشته؛ بلکه گوشه‌ای نشسته و می‌گوید: ما همه چیز را به عهده امام زمان علیه السلام می‌گذاریم، می‌تواند به عنوان بهترین شخص یا اشخاص دوران و اهل زمانه به حساب آید؟ روشن است، که چنین تفکری، نمی‌تواند مبنای منطقی داشته باشد؛ چرا که مفهوم انتظار، همراه با حرکت و تلاش است؛ مثل کسی که منتظر آمدن مهمانی عزیز و بزرگ، به خانه‌اش است.

۳- حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُتَنْتِظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ لِأَبْلِ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله»؛^۲ هر کس از شما در حال انتظار به ظهور امام غائب بمیرد؛ مثل کسی است، که با قائم در خیمه او باشد؛ نه بلکه مثل کسی است، که با او در مقابل دشمن با شمشیرش جنگ کند؛ نه بلکه مانند کسی است، که در رکاب رسول خدا صلى الله عليه وآله جویای شهادت باشد.

بنابراین، شأن و منزلت و مقام منتظر ظهور امام زمان علیه السلام به اندازه آن کسی است، که در کنار رسول خدا صلى الله عليه وآله و در نبرد با دشمنان دین، شربت شهادت نوشیده باشد؛ پس معلوم می‌شود مفهوم انتظار، مفهومی مثبت و مترقی و سازنده است.

نتیجه‌گیری

اعتقاد به موعود، که خداوند، روزی زمین را به دست او پر از عدل و داد می‌کند، مطلبی است که در تمام ادیان و مذاهب گوناگون بر آن اتفاق نظر وجود دارد؛ به همین دلیل، همه ادیان و مذاهب حاکم بر جهان، از کسی که نجات دهنده بشر و خاتمه دهنده به ظلم و ستم است، سخن به میان آورده، و آمدن او را نوید داده‌اند.

بنابراین، همه انسان‌ها و جوامع - خواسته یا ناخواسته - چشم به راه کسی هستند، که شایسته‌ترین انسان روی زمین است، تا پا به عرصه ظهور گذاشته، و کمال واقعی انسان‌ها را ارزانی بدارد.

نتیجه آن‌که مسئله عقیده به ظهور مصلح جهانی - در پایان دنیا - امری همگانی و عمومی است، و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد.

سرمنشأ این اعتقاد کهن و ریشه‌دار، علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسانی، که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل و برقراری نظام صلح و امنیت در سراسر جهان است، نویدهای بی‌شائبه پیامبران الهی علیهم السلام در طول تاریخ بشریت، به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است، و این وعده الهی، تخلف‌ناپذیر است.

۱- صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص. ۲۹۹-۳۰۰.

۲- مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۴۲، ص. ۱۲۶.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- عهد قدیم.
- صحیفه اشعیاء نبی.
- صحیفه حزقیال نبی.
- صحیفه دانیال نبی.
- مزامیر داوود.
- ۳- عهد جدید.
- انجیل لوقا.
- انجیل متی.
- انجیل مرقس.
- انجیل یوحنا.
- ۴- دوانی، علی، (۱۳۶۲)، مهدی موعود علیه السلام؛ مشتمل بر احوالات حضرت امام عصر علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۵- صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۸۰)، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر علیه السلام، قم: مرکز نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی.
- ۶- صدوق (ابن بابویه قمی)، محمدبن حسن، (۱۳۷۷)، الخصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- ۷- همان، (۱۳۹۵)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۸- طی، محمد، (۱۹۹۹)، المهدي المنتظر بين الدين والفكر البشري، بيروت: الغدير.
- ۹- قرشی، باقر شریف، (۱۳۷۶)، زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی علیه السلام، ترجمه ابوالفضل اسلامی، قم: انتشارات فقاها.
- ۱۰- کریستون، جولوس، (۱۳۷۷)، انتظار مسیحا در آئین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۱۱- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۷)، بحار الأنوار، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- ۱۲- میشل، توماس، (۱۳۷۷)، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.